



ارث

«ارث» به باقی مانده اموال میت گفته می شود، که در اسلام قانون خاصی برای تقسیم آن در بین ورثه میت بیان شده است. این باب در فقه اسلام «باب فرائض» یا «کتاب الفرائض» نامیده می شود، که نامگذاری آن به «کتاب الفرائض» از آن رو است که سهم بعضی از خویشاوندان میت در قرآن بیان شده است. عنوان ارث از باب‌های مهم فقهی است که مسائل و احکام ارث به تفصیل در آن آمده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف ارث به مفهوم مصدری و اسمی
- ۲ - تعریف وارث و مورث و میراث
- ۳ - تعبیر فقها از ارث
- ۴ - ارکان ارث
- ۵ - اسباب ارث
- ۶ - نسب
 - ۶.۱ - طبقه اول
 - ۶.۲ - طبقه دوم
 - ۶.۳ - طبقه سوم
 - ۶.۴ - وجوب حفظ ترتیب طبقات
- ۷ - سبب
 - ۷.۱ - زوجیت
 - ۷.۲ - ولاء
 - ۷.۲.۱ - ولاء عتق
 - ۷.۲.۲ - ولاء ضمان جریره
 - ۷.۲.۳ - ولاء امامت
- ۸ - موانع ارث
 - ۸.۱ - موجب محرومیت از تمام ارث
 - ۸.۱.۱ - کفر
 - ۸.۱.۲ - قتل
 - ۸.۱.۳ - برده بودن
 - ۸.۱.۴ - لعان
 - ۸.۱.۵ - زنا
 - ۸.۱.۶ - طبقه سابق
 - ۸.۲ - موجب محرومیت از بعض ارث
 - ۸.۲.۱ - کاهش سهم وارث از مرتبه بالا به پایین‌تر
- ۹ - جهات استحقاق ارث
 - ۹.۱ - سهم بالفرض
 - ۹.۲ - سهم بالقرباه
 - ۹.۳ - سهم بالرّد
- ۱۰ - سهام فرائض
 - ۱۰.۱ - نصف
 - ۱۰.۲ - دو سوم
 - ۱۰.۳ - یک سوم
 - ۱۰.۴ - یک چهارم
 - ۱۰.۵ - یک ششم
 - ۱۰.۶ - یک هشتم
- ۱۱ - سهم قرابت
- ۱۲ - توارث همسران
 - ۱۲.۱ - در صورت فوت شوهر
 - ۱۲.۲ - در صورت فوت همسر
- ۱۳ - عول و تعصیب
- ۱۴ - ارث در مرگ‌های جمعی
- ۱۵ - ارث جنین، خنثی، غایب و مجوسی
- ۱۶ - پانویس
- ۱۷ - منبع

استحقاق مال یا حقی با مرگ دیگری یا آنچه در حکم مرگ است با شرایط و ملاک‌های خاص را ارث گویند. تعریف یاد شده، تعریف «ارث» به مفهوم مصدری است. مفهوم اسمی آن عبارت است از دارایی و حقوقی که فرد با مرگ دیگری یا آنچه در حکم مرگ است مانند ارتداد، مستحق می‌شود.

تعریف وارث و مورث و میراث

به ارث برنده «وارث»، به کسی که از خود ارث برجای می‌گذارد «مورث» و به آنچه که از میت باقی می‌ماند- خواه مال یا حق قابل انتقال مانند حق خیار و حق شفقه- «ترکه» و «میراث» گفته می‌شود.

تعبیر فقها از ارث

فقیهان به پیروی از قرآن کریم، از ارث به «فرضه» و «فرض» نیز تعبیر کرده‌اند. عنوان ارث از باب‌های مهم فقهی است که مسائل و احکام ارث به تفصیل در آن آمده است. در این جا به محورهای مهم و کلی آن می‌پردازیم.

ارکان ارث

ارکان ارث عبارت است از: مورث، وارث و ترکه. البته پیش از تقسیم ترکه میان ورثه، باید از آن، حقوق دیگری مانند هزینه تکفین و تجهیز میت، بدهی‌ها و وصایای او در ثلث مالش و نیز آنچه مخصوص فرزند بزرگتر است خارج شود.

اسباب ارث

اسباب و موجبات ارث دو چیز است:

نسب

نسب عبارت است از ارتباط و اتصال فردی به دیگری به ولادت شرعی.^[۱] وارثان نسبی میت به ترتیب اولویت و تقدم هر طبقه عبارتند از:

← طبقه اول

پدر، مادر، فرزند و نوه در صورت نبودن فرزند. به قول مشهور، نوه با وجود پدر و مادر میت ارث می‌برد.^[۲]

← طبقه دوم

پدربزرگ و مادر بزرگ پدری و مادری هرچه بالا روند، برادر و خواهر پدری یا مادری و یا پدری و مادری و فرزندان آنان. در این طبقه، وارث نزدیک، مانع ارث بردن وارث دور می‌شود. برای مثال، با وجود جد و جدّه، پدر ایشان و با وجود برادر و خواهر، فرزندان آنان ارث نمی‌برند؛ هر چند فرزندان آنان با وجود جد و جدّه ارث می‌برند.

← طبقه سوم

عمو، عمّه، دایی و خاله و فرزندان آنان در صورت نبودن ایشان، جز یک صورت که پسر عموی پدری و مادری با عموی پدری با هم باشند. در این فرض، عموزاده بر عمو مقدم است.

از جمله وارثان این طبقه - در صورت نبودن عمو، عمّه، دایی و خاله میت و فرزندانشان - عمو، عمّه، دایی و خاله پدر میت است.^[۳] از طبقه سوم به تبع قرآن کریم^{[۴][۵]} به «اولوا الارحام» تعبیر شده است. در قرآن بر مقدار ارث این طبقه تصریح نشده است، بر خلاف طبقه‌های اول و دوم که «فرض بر» هستند؛ بدین معنا که در قرآن کریم بر مقدار ارث آنان تصریح شده است.

← وجوب حفظ ترتیب طبقات

تا زمانی که از هر طبقه یک نفر باقی است، کسی از طبقه بعدی ارث نمی‌برد.

سبب

سبب بر دو گونه است:

← زوجیت

زوجیت دائم موجب ارث بردن هر یک از زن و شوهر از دیگری می‌شود. زن و شوهر با وجود همه وارثان نسبی و سببی ارث می‌برند. از این رو، جزء طبقات به شمار نمی‌روند.

به قول مشهور، اگر در ضمن عقد موقت، شرط ارث بری از یکدیگر نشود، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند.^[۶] ارث‌بری، در صورت شرط ضمن عقد موقت، مورد اختلاف است. اشهر، ثبوت آن است.^[۷]

← ولاء

ولاء به معنای **پیوند** و **علقه** میان دو نفر یا بیشتر از غیر طریق **زوجیت** و **نسب**، بر سه قسم است: **ولاء عتق**، **ولاء ضمان جریره** و **ولاء امامت**.

← ولاء عتق

در قسم اول، مولا- که آزاد کننده برده خویش است- با شرایطی از جمله نبودن **وارث نسبی** برای برده، از او ارث می‌برد. [۸]

← ولاء ضمان جریره

در قسم دوم، **ضامن جریره** در صورت نبودن وارث نسبی و نداشتن **مولا** (آزاد کننده برده)، ارث می‌برد. [۹]

← ولاء امامت

در قسم سوم، **امام علیه‌السلام** در صورت نبودن هیچ یک از وارث نسبی، شوهر میّت، مولا و ضامن جریره، وارث میّت خواهد بود. [۱۰]
در این که امام علیه‌السلام با زن میّت در ارث بردن **شریک** است یا آن که وجود **همسر میّت** مانع از ارث او می‌شود، **اختلاف** است. نظر مشهور، **شراکت** است. [۱۱][۱۲]
احکام موارد نام برده در کتاب‌های فقهی به تفصیل بیان شده است.

موانع ارث

موانع ارث یا **موجب محرومیت** از همه ارث می‌شود یا از بعضی آن.

← موجب محرومیت از تمام ارث

بخش اول عبارت است از:

← کفر

کافر از **مسلمان** ارث نمی‌برد، اما **مسلمان** از **کافر** ارث می‌برد. [۱۳]

← قتل

کشتن عمدی کسی به ناحق- نه برای **قصاص**، **دفاع** یا **حدّ** و مانند آن- موجب محرومیت **قاتل** از ارث است. به قول مشهور، در **قتل خطایی**، قاتل تنها از دین پرداختنی محروم است. [۱۴]
در این که **قتل شبه عمد** مانند قتل خطایی است یا حکم قتل عمد را دارد، اختلاف است. قول نخست به ظاهر کلمات بیشتر فقها نسبت داده شده است. [۱۵]

← برده بودن

برده بودن **مورث** یا **وارث** مانع ارث است، مگر آن که وارث، منحصر به برده باشد. در این صورت، برده- هر چند به طور قهری- از ترکه خریداری و آزاد می‌گردد و باقی مانده ترکه به او داده می‌شود. [۱۶]
در این که برده در هر طبقه‌ای از طبقات سه‌گانه که باشد در صورت انحصار وارث به او، باید آزاد شود یا آن که این حکم اختصاص به پدر و مادر یا آنان به اضافه فرزندان میّت دارد، اختلاف است. [۱۷]

← لعان

اگر مردی با همسرش برای نفی فرزند از خود، **ملاعنه** کند، زن و شوهر از یکدیگر و نیز مرد از فرزند مورد **لعان** و بالعکس، ارث نمی‌برند. [۱۸]

← زنا

نه **زنارزاده** از پدر و مادر خود ارث می‌برد و نه پدر و مادر و نزدیکان آنان از وی. [۱۹]

← طبقه سابق

وجود هر طبقه پیشین از طبقات یاد شده، مانع ارث بردن طبقه بعدی است. همچنین در یک طبقه، آن که به میّت نزدیک‌تر است، مانع ارث بردن **خویشاوند** دورتر می‌شود.

در فقه، از این نوع مانع به «**حجب حرمان**» تعبیر شده است. [۲۰]

← موجب محرومیت از بعضی ارث

برخی اوقات مانعی موجب می‌گردد که سهم وارث از حد اعلی به حد ادنی تنزل کند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

←← کاهش سهم وارث از مرتبه بالا به پایین تر

گاهی به خاطر بروز مانعی، سهم وارث از حدّ اعلی به حدّ ادنی تنزل می‌کند. به عنوان مثال، وجود **فرزند**، موجب کاهش **سهم** شوهر از نصف به یک چهارم و سهم زن از یک چهارم به یک هشتم می‌شود. فقها از این نوع مانع به «**حجب نقصان**» تعبیر کرده‌اند.^[۲۱]

جهات استحقاق ارث

جهات استحقاق سهم ارث به سه قسم تقسیم می‌شود:

← سهم بالفرض

استحقاق ارث گاهی به «فرض» و «تسمیه» است؛ یعنی بر سهم وارث در **قرآن کریم**، تصریح شده است.^[۲۲]

← سهم بالقرابه

گاهی نیز استحقاق ارث به «**قرابت**» مانند استحقاق عمو و عمّه که در **قرآن**، سهمی برای ایشان تعیین نشده است و تحت عنوان «اولوا الارحام» مندرج هستند.^{[۲۳][۲۴]}

← سهم بالردّ

و گاهی به هر دو سبب که از آن به «**ردّ**» تعبیر می‌شود یعنی ارث بردن وارث، افزون بر فریضه به سبب قرابت با میت نیز می‌باشد، برای مثال، اگر وارث، تنها یک **دختر** باشد، نصف ترکه را به «فرض» و نصف دیگر را به «قرابت» ارث می‌برد.^[۲۵]

سهام فرائض

سهم نامبرده شده در **قرآن کریم**^[۲۶] عبارت است از:

← نصف

صاحبان آن سه گروهند:

۱. یک دختر در صورتی که میت فرزند دیگری که از او ارث ببرد نداشته باشد.
۲. یک **خواهر پدر** و مادری یا پدري، در صورتی که میت **برادر پدر** و مادری یا پدري نداشته باشد.
۳. **شوهر** در صورتی که **همسر** متوفای او فرزند یا فرزندزاده نداشته باشد .

← دو سوم

صاحبان آن سه گروه می باشند:

۱. دو دختر یا بیشتر در صورتی که میت **پسر** نداشته باشد.
۲. دو خواهر پدري در صورتی که میت **برادر پدري** نداشته باشد.
۳. دو خواهر پدر و مادری یا بیشتر در صورتی که **برادر پدر** و مادری نداشته باشد .

← یک سوم

صاحبان آن دو گروه می باشند:

۱. مادر در صورتی که میت فرزند یا برادرانی نداشته باشد، داشتن یک برادر مانع نیست.
۲. برادران یا خواهران مادری میت در صورتی که متعدد باشند.

← یک چهارم

صاحبان آن دو گروه می باشند:

۱. شوهری که زن متوفایش فرزند یا فرزندزاده داشته باشد .
۲. زنی که شوهر متوفایش بی فرزند یا فرزندزاده نداشته باشد .

← یک هشتم

صاحبان آن سه گروهند:

۱. **پدر** در صورتی که میت دارای فرزند باشد.
۲. **مادر** در صورتی که میت حداقل دو برادر یا چهار خواهر پدر و مادری داشته باشد یا اینکه میت فرزند داشته باشد .
۳. برادر یا خواهر مادری در صورتی که تنها باشد یعنی برادر یا خواهر مادری دیگری نباشد.

← یک هشتم

صاحب، آن زنی است که شوهر متوقّایش فرزند یا فرزندزاده داشته باشد.^[۲۷]

سهم قرابت

غیر از موارد ذکر شده، بقیّه **وارثان میت** که سهم ارث آنان در قرآن کریم مشخص نشده است، «**وارثان بالقرايه**» نامیده می شوند.

توارث همسران

زن و شوهر در صورتی از یکدیگر ارث می برند که **عقد آنها دائمی** باشد . کیفیت ارث آنها از هم به شرح ذیل است:

← در صورت فوت شوهر

۱. میت فرزند ندارد: ۴/۱ (یک چهارم) به همسر، و ۴/۳ (سه چهارم) به سایر **ورثه** می رسد .
۲. میت فرزند دارد: ۸/۱ (یک هشتم) به همسر، و ۸/۷ (هفت هشتم) به سایر ورثه میرسد

← در صورت فوت همسر

۱. میت فرزند ندارد: ۲/۱ (یک دوم) به شوهر، و ۲/۱ (یک دوم) به سایر ورثه میرسد .
۲. میت **فرزند** دارد: ۴/۱ به شوهر، و ۴/۳ به سایر ورثه میرسد .

عول و تعصیب

ترکه نسبت به سهام وارثان، سه حالت دارد: یا به اندازهٔ سهام است یا کمتر از آن است و یا بیشتر از آن. صورت دوم و سوم مورد اختلاف **شیعه** و **اهل سنت** است. در **فقه عامه** از صورت دوم به **عول** و از صورت سوم به **تعصیب** تعبیر شده است که هر دو نزد **شیعه** **امامیه** باطل است.

ارث در مرگ‌های جمعی

کسانی که از یکدیگر ارث می‌برند، چنانچه همگی **غریق** شدند یا زیر **آوار** مردند، اگر تقدّم **مرگ** یکی بر دیگری یا **تقارن** آنها معلوم نباشد، همه از یکدیگر ارث می‌برند، و در صورتی که تقدّم یکی معلوم باشد دیگران از او ارث می‌برند و در صورت معلوم بودن تقارن، هیچ کدام از هم ارث نمی‌برند. در الحاق دیگر اسباب مرگ جمعی به دو سبب یاد شده، اختلاف است.^[۲۸]

ارث جنین، خنثی، غایب و مجوسی

عنوان‌های دیگری مانند **جنین**، **خنثی**، **غایب** و **مجوسی** در بحث ارث مطرح هستند که احکام هر یک در جای خود خواهد آمد.

پانویس

- ↑ جواهر الکلام ج۳۹، ص۷.
- ↑ جواهر الکلام ج۳۹، ص۱۱۷.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۸-۱۱.
- ↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۶.
- ↑ انفال/سوره ۸، آیه ۷۵.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۹۰.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۹۳.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۲۳.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۵۴.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۶۰.
- ↑ مستند الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۹۳-۳۹۶.
- ↑ مهذب الاحکام، ج ۲۰، ص ۲۰۰.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۱۵.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۳۷.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۳۸-۴۰.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۵۰.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۵۸-۶۱.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۶۲.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۷۴.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۷۵.
- ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۷۸.
- ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱۱.
- ↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۶.
- ↑ انفال/سوره ۸، آیه ۷۵.
- ↑ الانتصار، ص ۵۵۹.
- ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱-۱۲.
- ↑ تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۲۷۴.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۷۵.
سایت پژوهه

رده‌های این صفحه : ارث | فقه